

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی، مقدم

یهودیان پیکارگر با دست خالی علیه حکومت اشغالگر یونان پا خاستند



متتياهو رهبر خيزش، در صحنه ای از نبرد نابرابر با سربازان حکومت سرکوبگر یونان

پرسش - پروفیسور نصر، شما در گفت و گوی پیشین تعریف کردید که چگونه حکومت یونان که سرزمین اسرائیل را به اشغال درآورده بود، تلاش می کرد فرهنگ خود را نیز که از یکتاپرستی کاملاً به دور بود، بر یهودیان که پیشگام پیام وحدانیت حق بودند تحمیل کند. ولی یهودیان به پا خاستند، بر ادامه سنن و باور دینی خود پای فشردند و ارتش یونان را از اورشلیم بیرون راندند و بیت المقدس را تطهیر کردند. به پاس این پیروزی و استقامت، یهودیان هر سال در یادروز آزادی معبد مقدس جشن می گیرند و شمع بر می افروزند. این عید را "חנוکا" می نامند و می خواهیم درباره آن بیشتر بدانیم.

پاسخ - سخن پیشین ما به این جا رسید که گفتیم با حمله اسکندر به سرزمین ایران و دیگر نواحی، دوره سلطنت هخامنشیان پایان گرفت و خاک اسرائیل که در تسلط ایرانیان بود به اشغال یونانیان درآمد و از نظر آزادی هائی که یهودیان در دوران ایرانیان از آن برخوردار بودند، تفاوت های زیادی با سال های تسلط یونانیان ایجاد گردید. زیرا در حالی که ایرانیان

مردمانی آزادمنش بودند که به یهودیان امکان می دادند آئین های مذهبی خود را آن گونه که می خواهند برگزار کنند و به باور دینی خویش پای بند باشند، یونانیان می خواستند تمدن و فرهنگ و باور بت پرستی خود را بر همه ملت هائی که بر آن ها تسلط می یافتند، تحمیل کنند ولی یهودیان زیر بار آن نرفتند.

این تحمیل فرهنگ و باورها از جانب یونانیان، گاهی شدیدتر و گاهی ضعیف تر می شد و در حال نوسان بود. ولی در زمان حکومت آنتیوکوس چهارم موسوم به آنتیوکوس اپیفانس (Antiochus Epiphanes) سرکوبگری به حد تازه ای رسید. به جرات می توان گفت که سراسر خاک اسرائیل به اشغال یک حکومت خودکامه و ظالم درآمده بود که با حکومت ایران در سال های پیش از آن تضاد کامل داشت.

در این دوره بود که آنتیوکوس فرمان هائی صادر کرد که به موجب آن ها یهودیان حق ختنه کردن پسران نوزاد خود را ندارند، حق نیایش کردن در معبد مقدس اورشلیم از آن ها سلب شد، از اجرای مراسم استراحت و نیایش در روز مقدس شنبه محروم شدند. اشغالگران یونانی نه تنها خود آئین ها و ارزش هائی را که یهودیان به آن ها معتقد بودند زیر پا گذاشتند، بلکه هر یهودی را نیز که بر اساس این ارزش ها و باورها رفتار می کرد، دستگیر ساخته و مجازات می کردند. این مجازات در حدی بود که اگر یک یهودی بر حسب اعتقادات خویش رفتار می کرد، قتل او واجب بود.

در آن دوران ماموران آنتیوکوس از شهری به شهری و از روستائی به روستائی در سراسر خاک اسرائیل رفته و اجرای قوانین خود را بر یهودیان تحمیل می کردند و آنان را وادار به بت پرستی می ساختند.

ولی هنگامی که به شهرک "مودیعین" (מודיעין Modii'in) محل اقامت خانواده "حشمونائیم" (חשמונאים Hashmona'im) رسیدند، با مقاومت شدید روبرو شدند. پدر سالخورده خانواده که "متتياهو" (מתתיהו Matatyahu) نام داشت، همراه با پنج فرزند خود در برابر فرامین فرمانروای یونانی ایستادگی کرده و گفت که آنان حاضر به اجرای این اوامر بت پرستانه نیستند. آن ها حتی ماموران اعزامی آنتیوکوس را کشتند و از عاقبت آن نهراسیدند.

در واقع می توان گفت که قیام ملی - مذهبی یهودیان علیه یونانی ها از همین شهرک و از همین نقطه آغاز شد. تصور می کنم که این یکی از بزرگترین خیزش های ملی یهودیان علیه اشغالگران بیگانه در دوران های مختلفی بود که این سرزمین در تصرف دیگران قرار داشت.

در حاشیه دوباره یادآوری کنم که در تمام طول حکومت ایرانیان بر سرزمین اسرائیل، هرگز حتی یک مورد نیز پیش نیامد که یهودیان علیه فرمانروایان ایرانی به شورش و یا ابراز مخالفت دست بزنند؛ و این به خاطر آن که حکومت ایران در زندگی روزمره مذهبی و اجتماعی یهودیان در این سرزمین دخالتی نمی کرد و رفتاری را بر آنان تحمیل نمی نمود.

در چنین شرائط سرکوبگرانه حکومت یونانیان بود که خیزش ملی و مذهبی یهودیان از شهرک مودیعیان آغاز گردید و در سراسر سرزمین گسترده شد که پیامد موفقیت آمیز آن را پیشتر شرح دادیم.

یونانی ها در معبد مقدس یهود که کانون یکتاپرستی بود شماری از بت های خود را قرار داده بودند تا نگذارند یهودیان در برابر خدای یگانه به نیایش پردازند. آن ها تالارهای معبد مقدس یهود (بیت المقدس) را به مکان لهو و لعب و عیش و نوش مبدل ساخته و حیوانات نجس را در آن مکان مقدس ذبح می کردند. یهودیان پس از آزادسازی معبد مقدس به پاکسازی و تطهیر آن پرداختند.

آئین یهود آن بود که در بیت المقدس شمع بر می افروختند و این شمع ها از فتیله ای که در روغن قرار داشت تغذیه می شد. این روغن به شیوه ای ویژه و طبق قواعد خاص تهیه می گردید و روغن پاک محسوب می شد. ولی پس از آزاد سازی معبد مقدس، هرچه در سرداب ها گشتند تنها یک ظرف روغن ظاهر یافتند که ظاهراً برای یک روز کافی بود، ولی به باور یهودیان معجزه ای رخ داد و این مقدار روغن، شمع های تالار مرکزی بیت المقدس را به مدت هشت روز روشن نگاه داشت.

با یاد این معجزه است که یهودیان در جشن سالیانه به مدت هشت شب شمع روشن می کنند. در این عید، شب اول را با یک شمع آغاز می کنند و هرشب یک شمع دیگر به آن می افزایند. این جشن یادگار رهاسازی بیت المقدس از بیگانگان بت پرست و تطهیر این مکان و پیروزی حشمونائیم است. این عید موسوم به "حنوکا" (חנוכה Hanuka) می باشد و کم و بیش در اواخر ماه دسامبر (۲۵ ماه عبری کیسلو) واقع می شود. یهودیان در هر کشور و هر نقطه ای که به سر می برند، این جشن هشت روزه را برگزار می کنند.

از آن جا که تقویم عبری بر اساس سال قمری است و تاریخ ایرانی و غربی بر اساس سال خورشیدی تنظیم شده، زمان اعیاد یهودی بر حسب تاریخ میلادی و خورشیدی همیشه هم زمان در نمی آید و سال هائی است که عید حنوکا با جشن کریسمس مسیحیان و گاهی عید قربان مسلمانان مصادف می شود.

چه زیباست هنگامی که این سه عید با هم آمیخته می شوند و در شهر حیفا در شمال اسرائیل که در آن جا یهودی و مسلمان و مسیحی عرب در کنار یکدیگر زندگی می کنند، فستیوالی در این زمان برگزار می گردد که "عید الاعیاد" نام دارد. در هر سه عید، یهودیان و مسیحیان و مسلمانان به چراغانی می پردازند که البته در مورد یهودیان به صورت روشن کردن شمع است.

شمعدان یهودی ۹ شاخه دارد که در ۸ شاخه هر شب یک شمع به شمع های شب قبل می افزایند و شاخه نهم برای نهادن شمعی است که پس از اجرای نیایش، با آن شمع های دیگر را بر می افروزند و "شمع خادم" نام دارد.

واژه "حنوکا" به معنی "گشایش" یا "افتتاح" است. مفهوم این واژه آن است که در آن تاریخ یهودیان کار تظہیر و پاکسازی معبد را به انجام رساندند و آن مکان مقدس را از نو گشودند. باید تاکید کنم که "حنوکا" منحصرأ یک عید مذهبی محسوب نمی شود، بلکه بیشتر جنبه یک جشن ملی و ناسیونالیستی دارد و یادگار پیروزی بر اشغالگران بیگانه است.

پرسش - بفرمائید که این رویدادها در چه سال هائی اتفاق افتاد؟

پاسخ - خیزش یهودیان در سال ۱۶۸ پیش از میلاد آغاز شد و مبارزه مسلحانه حدود یک سال به درازا انجامید، یعنی معبد مقدس در سال ۱۶۷ پیش از میلاد آزاد شد، ولی پس از آن، حشمونائیم و یا با لقب آن ها "مکابی" ها (מכבים Maccabees) به آزادسازی معبد و رهاسازی اورشلیم بسنده نکردند - زیرا این جنبش به یک خیزش ملی و همگانی مبدل شده بود که شعله های آن سراسر خاک اسرائیل را در بر گرفت و یهودیان دوباره سیادت و حاکمیت را از آن خویش ساختند.

پس از اسارت بابل که در سال ۵۸۶ پیش از میلاد در دوران بخت النصر رخ داد و بازگشت از آن سرزمین، این دومین بار بود که یهودیان به تجدید حیات ملی دست می یافتند.

مطلب دیگری که در این زمینه می خواهم اضافه کنم آن است که آن ایام مصادف با دوران اشکانیان در ایران بود که آن ها نیز با یهودیان یک دشمن مشترک داشتند و آن، یونانیان بودند. این امر نوعی همکاری نظامی بین ایرانیان اشکانی و یهودیان حشمونائی به وجود آورد. هر دو جانب به یکدیگر کمک کردند: یهودیان با ایستادگی در برابر هنگ ها و واحدهای نظامی لشگریان یونان در خاک خود، موجب گرفتاری و مشغول کردن سربازان آن ها گردیدند و بدین سان یونانی ها فرصت نکردند به کشورگشائی ادامه دهند و تهدیدی برای ایران زمین به وجود آورند.

عملیات اشکانیان نیز به سود یهودیان بود، زیرا آن جنگ ها و نزاع هائی که آنان علیه ارتش یونان به راه می انداختند، به افراد به پا خاسته حشمونائی در بین یهودیان این سرزمین فرصت داد یک حکومت ملی و مستقل در این خاک برپا کنند که حدود صد سال توانست دوام آورد.

پرسش - آیا مطالبی که درباره اشکانیان و همکاری آن ها با یهودیان حشمونائی، بیان کردید، با مطالب "تومارِ استر" (מגילת אסתר Megilat Ester) و داستانی که در آن رخ می دهد، ارتباطی دارد؟

پاسخ - پیش از آن که به این مطلب پاسخ بگویم، باید تذکر دهم که من به عنوان یک فرد دانشگاهی و پژوهشگر سخن می گویم و احساسات و باورهای دینی را در ارزیابی های خود دخالت نمی دهم.

برخی از پژوهشگران بر این باورند که تومار استر در همان دوره اشکانیان به رشته تحریر کشیده شده است. منظورم دوره حکومت یونانیان بر سرزمین اسرائیل است که با دوره اشکانیان در ایران مصادف می شود و در آن هنگام یهودیان زیر ستم حکومت اشغالگر یونان در رنج و محنت بسیار به سر می بردند و نیاز به ذلکرمی و تقویت روحیه داشتند و این دوران تقویت روحیه با خیزش حشموثائی ها به وجود آمد.

ولی در عین حال باید یادآور گردید که پژوهشگرانی نیز وجود دارند که این ارزیابی را نمی پذیرند. در "تومار استر" مطالبی آمده است که نشانگر بیان اوضاع امپراتوری ایران در دوران هخامنشیان به ویژه در دوران خشایارشا است. این موضوعی است که هنوز پاسخی برای آن یافت نشده و باید درها را برای پژوهشگران بعدی و ادامه تحقیقات آنان باز گذاشت. در هر حال، تومار استر یک کتاب معمائی است که هنوز مطالب بسیاری درباره آن روشن نشده است.

پرسش - با ابراز پوزش ، تمنا می کنم دوباره توضیح بفرمائید که اصولاً "تومار استر" چه نوع کتابی است و چه مطالبی در آن نگاشته شده است؟

پاسخ - تومار استر رویدادی را بیان می کند که همه جزئیات آن در دربار امپراتور ایران که "اخشوروش" نام دارد می گذرد که گفته می شود او همان خشایارشا پادشاه ایران بوده است.

حکایت از این قرار است که صدراعظم امپراتوری ایران یک فرد بیگانه به نام "هامان بن همداتا آجاجی" یا "آقاقی" (הַמָּן בֶּן הַמְדַתָּא הָאֲגָגִי Haman the Agagite) بوده که توطئه کشتار یهودیان را طراحی می کند؛ که این توطئه توسط مُردخای که پسر عموی ملکه یهودی ایران بوده فاش می شود و هامان همراه با ده پسر خود ، به جزای این توطئه و گمراه ساختن پادشاه ایران به دار مجازات آویخته می شود .

درباره ریشه نام "آجاجی" که به دنبال اسم هامان آمده، برخی تورات شناسان و استادان زبان عبری بر این باورند که چنین اسمی از واژه "ارّه ای" آمده و هامان یک فرد بیگانه از جزایر دریای ارّه در جنوب یونان امروز بوده است. بنا بر این داستان، نام ملکه یهودی ایرانی "استر" بوده که از واژه ستاره به زبان فارسی می آید. او دخترکی بسیار زیبا بوده که مورد پسند پادشاه ایران قرار می گیرد و به مقام شهبانوئی می رسد. بر اساس این داستان، نخستین دختر یهودی که به مقام شهبانوئی امپراتوری ایران می رسد، همین استر بوده است.

پرسش - یعنی، یهودیان داستانی می نویسند که ماجراهای آن در امپراتوری ایران و در دوران پادشاهی با نام "اخشوروش" می گذرد؟

پاسخ - بله ، همین طور است. به موجب این کتاب، امپراتوری ایران دارای ۱۲۷ ولایت بوده که در همه آن ها یهودیان نیز زندگی می کرده‌اند. این رقم حکایت از شمار زیاد یهودیانی دارد که در آن دوران ها در امپراتوری ایران می زیسته اند و نشان می دهد که امپراتوری ایران در دوران خشایارشا بسیار گسترده و بزرگ بوده است.

در این جا سخن از رویدادهای دوران خشایارشا در داخل ایران نیست، ولی در این فرصت بی جهت نیست بگوئیم که در دوران خشایارشا رشته رخدادهائی به وقوع پیوست که امپراتوری ایران را تا حدودی به ضعف کشاند.

باز گردیم به "تومارِ استر": یکی از خصوصیات این کتاب آن است که برخلاف همه نوشتارهای یهودی از دوران عهد عتیق ، حتی یک بار نامی از پروردگار در آن برده نشده است.

این امر بسیار شگفت انگیز است و حالت معمائی دارد، به خاطر آن که در میان کتب مقدس یهودیان شما کتابی را نمی توانید بیابید که نام خداوند در آن نیامده باشد - از کتاب پیدایش بگیریید تا کتب انبیاء و دیگر کتاب هائی که در مجموع "کتاب مقدس یهودیان" و یا "عهد عتیق" را تشکیل می دهد.

در تمامی این کتاب ها نام یزدان بارها برده شده، ولی در تومارِ استر حتی یک بار واژه ایزد و یا واژه های مشابه آن وجود ندارد. نکته قابل توجه دیگر در تومارِ استر آن است که ما در این نوشتار واژه های ایرانی و یا واژه هائی که ریشه ایرانی دارد زیاد می بینیم.

نکته دیگر آن که در دوران ریاست "سنهدرین" (סנהדרין Sanhedrin - مجمع حکمای یهود که امور دینی را به دست داشتند و به امور کشوری نیز رسیدگی می کردند) بحثی در بین علمای دین جریان داشت که آیا می توان "تومارِ استر" را جزو کتب مقدسه یهود قرار داد و یا باید آن را از آن جدا دانست. ولی بالاخره تصمیم گرفته شد که تومارِ استر در مجموعه "عهد عتیق" گنجانیده شود. به خاطر همین کتاب که ارتباط با یهودیان ایرانی دارد، یهودیان سراسر دنیا همه ساله جشنی را به نام "پوریم" (פורים Purim) برگزار می کنند که کم و بیش مصادف با عید نوروز ایرانیان است.